

معرفی و نقد کتاب:

کرونا به مثابه بحران؛ معرفی کتاب آشوب؛ نقاط عطف برای

کشورهای بحران زده

مهران صولتی*

کداریکد: 0000-0003-4572-9543

چکیده

مدرنیته با ظهور خود سنت را به حاشیه راند و با کلان روایت‌هایی که به ارمغان آورد، پیام‌آور پیشرفت و آزادی شد. جهانیان هم به آموزه‌های روشنگری دل سپردند و کوشیدند تا به آرمان‌های برابری، خردگرایی و حقوق بشر جامه عمل بپوشانند. اما قرن بیستم و آغاز بحران‌هایی از جمله، بحران اقتصادی دهه ۱۹۳۰م، واقعه شرم آور هولوکاست و رویداد ویرانگر جنگ جهانی دوم، نقطه پایانی برخوش بینی های انسان مدرن نسبت به آینده جهان نهاد. پست مدرنیسم هم به مثابه تشکیک در بنیادهای مدرنیته جلوه‌گر شد و زمانه‌ای را رقم زد که بیش از همه با ابهام، تکثر و عدم قطعیت پیوند یافته بود. همان احوالی که برخی آن را با ظهور جامعه خطر مقارن می‌دانند. کرونا هم به مثابه بحران، زائیده چنین شرایطی است و متناسب با جامعه‌ای که اکنون با مخاطرات ریز و درشتی دست و پنجه نرم می‌کند. کتاب آشوب، نوشته جرد دایموند، بحران‌های امروز جهان را با تجربه نویسنده از زیستن در هفت کشور فنلاند، ژاپن، شیلی، امریکا، اندونزی، آلمان و استرالیا در آمیخته و با بیان شیرین و روایی عرضه کرده است.

کلیدواژه ها: کرونا، بحران، آشوب

* . دانش آموخته دکتری جامعه شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، دبیر رسمی وزارت آموزش و پرورش

msolati1353@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۹

مسائل اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۳۱-۲۳۹

چرد دایموند

چرد میسون دایموند^۱ (زاده ۱۰ سپتامبر ۱۹۳۷) دانشمند و نویسنده آمریکایی است. او در حال حاضر استاد جغرافیا و فیزیولوژی در دانشگاه کالیفرنیا، لس آنجلس است. او را بیشتر به عنوان نویسنده کتاب‌های علمی عامه همچون سومین شامپانزه، اسلحه، میکروب و فولاد و فروپاشی و آشوب (۲۰۱۹) می‌شناسند. کتاب آشوب در سال ۱۳۹۸ توسط نشر طرح نو به فارسی چاپ شده است.

دایموند در بوستون، ماساچوست، در خانواده‌ای یهودی-لهستانی متولد شد. پدر او پزشک بود و مادرش معلم، موسیقی‌دان و زبان‌شناس. او درجه لیسانس خود را از دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۵۸ و دکترای خود را در فیزیولوژی و بیوفیزیک غشاء از دانشگاه کمبریج در سال ۱۹۶۱ اخذ کرد. پس از فارغ‌التحصیلی از کمبریج او به عنوان محقق خرد به دانشگاه هاروارد بازگشت و تا ۱۹۶۵ در همان‌جا ماند. در سال ۱۹۶۸، استاد فیزیولوژی در دانشکده پزشکی UCLA شد. در دهه سوم زندگی، او به مطالعه پرونده‌های گینه نو پرداخت و از آن زمان انجام طرح‌های پژوهشی متعددی در گینه نو و جزایر مجاور انجام داده است. در پنجاه سالگی، دایموند به تدریج به تحقیقات جدیدی در رشته تاریخ محیط زیست روی آورد و سرانجام به عنوان استاد جغرافیا در UCLA، شغل فعلی اش مشغول شد. او در سال ۱۹۹۹ مدال ملی دانش را کسب کرد و در ۲۰۰۹ دکترای افتخاری دانشکده ایالتی (west field) را دریافت کرد. دایموند در زمینه زبان‌شناسی هم فعال است.

در سال ۱۹۹۷ او کتابی به نام چرا رابطه جنسی لذت بخش است؟ را در باب تمایلات جنسی انسان، و باز با الهام از مردم شناسی، بوم‌شناسی و زیست‌شناسی تکاملی به تحریر در آورد. سومین و شناخته شده‌ترین کتاب او (اسلحه، میکروب و فولاد) در سال ۱۹۹۷ منتشر شد. در این کتاب دایموند به دنبال توضیح سلطه مردمان ساکن اوراسیا در طول تاریخ بر مردمان دیگر مناطق جهان است. با استفاده از شواهدی از بوم‌شناسی، باستان‌شناسی، ژنتیک، زبان‌شناسی و مطالعات موردی مختلف تاریخی، او استدلال می‌کند که شکاف در قدرت و فناوری بین جوامع بشری انعکاسی از تفاوت نژادی یا فرهنگی نیست، بلکه سرچشمه تفاوت، در تفاوت خصوصیات محیط زیستی - جغرافیایی است که توسط یک پروسه بازخورد مثبت تقویت می‌شود. در نتیجه، جغرافیای اوراسیا مزیتی ذاتی به نژادهای مختلف اروپایی و آسیایی نسبت به جوامع قاره‌های دیگر داده است که این امر آنها را قادر به تسلط یا تسخیر سرزمین‌های دیگر کرده است.

1. Javed Mason Diamond

تازه‌ترین کتاب دایموند، سقوط، به بررسی طیف وسیعی از تمدن‌های گذشته در تلاش برای شناسایی چرایی سقوط یا توفیق آنها می‌پردازد و آنچه را جوامع معاصر می‌توانند از این نمونه‌های تاریخی فرا بگیرند بررسی می‌کنند. در این کتاب جوامع قدیمی نوس (وایکینگ‌ها) و اسکیموها از گرینلند، مایا، آناسازی، مردم بومی راپانویی (جزیره ایستر)، ژاپن، هائیتی، جمهوری دومینیکن و ایالت مونتانا امروزی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

معرفی کتاب آشوب؛ نقاط عطف برای کشورهای بحران زده

کتاب آشوب در سه بخش و ۱۱ فصل در ۶۳۶ صفحه به نگارش در آمده است.

بخش‌ها شامل :

۱- افراد

۲- کشورها : بحران‌های رخ داده

۳- کشورها و جهان : بحران‌های جاری

فصل‌ها شامل : ۱. بحران‌های شخصی ۲. جنگ فنلاند با اتحاد جماهیر شوروی؛ ۳. خاستگاه‌های ژاپن امروزی؛ ۴. شیلی برای تمام مردم شیلی؛ ۵. اندونزی، ظهور یک کشور جدید؛ ۶. بازسازی آلمان؛ ۷. استرالیا: ما که هستیم؟ ۸. پیش روی ژاپن چیست؟ ۹. پیش روی ایالات متحده چیست؟ موارد قوت و بزرگترین مشکل ۱۰. پیش روی ایالات متحده چیست؟ «سایر» مشکلات ۱۱. پیش روی دنیا چیست و مؤخره : درس‌ها، پرسش‌ها و چشم‌انداز فصل ۱ مربوط به بخش اول، فصل ۲ تا ۷ مربوط به بخش دوم و فصل ۸ تا ۱۱ مربوط به بخش سوم است.

دایموند مقدمه کتاب آشوب را با ذکر دو داستان واقعی از زندگی نویسنده، آغاز می‌کند تا بتواند به توضیح مفهوم بحران از نگاه خود نزدیک شود. دایموند با اشاره به این دو واقعه، مفهوم «بحران» را این چنین تعریف می‌کند؛ «پس می‌توان بحران را به مثابه «لحظه سرنوشت ساز» انگاشت؛ به مثابه یک نقطه عطف که تفاوت بین اوضاع قبل و پس از آن «لحظه»؛ با تفاوت بین قبل و بعد «اکثر» لحظات دیگر، «به شدت» فرق دارد» (دایموند، ۲۰).

شاکله کلی کتاب آشوب بر بنیاد ایجاد مشابهت میان بحران‌های فردی و ملی شکل گرفته است.

به باور وی مقایسه میان بحران‌های فردی و ملی به دلایل زیر می‌تواند توجیه‌پذیر و پرفایده باشد:

۱- آشنایی بیشتر همگان با بحران‌های فردی موجب آشنایی آسان‌تر افراد غیرمتخصص با بحران‌های ملی می‌شود.

۲- بررسی بحران‌های فرد به فراهم شدن یک نقشه راه برای رفع آنها منتهی می‌شود که می‌تواند در بحران‌های ملی هم کاربرد داشته باشد.

۴- مقایسه کردن بحران‌های فردی و ملی، باعث بهتر برجسته شدن ویژگی‌هایی از بحران‌های ملی می‌شود که شباهتی به بحران‌های فردی ندارند. با پایان مقدمه کتاب، اکنون می‌کوشیم تا به اختصار فصول یازده گانه کتاب را که در سه بخش تحریر یافته است مورد بررسی اجمالی قرار دهیم.

فصل اول : در این فصل دایموند با شرح بحرانی که در دوران تحصیلات دانشگاهی خود با آن روبرو شده است می‌کوشد تا از جایگاه یک روان درمانگر با این بحران روبرو شود. به باور دایموند حداقل ۱۲ عامل وجود دارد که از منظر یک روان درمانگر می‌تواند در چنین شرایطی به رفع بحران کمک نماید. فهرست این عوامل عبارتند از :

- ۱- اذعان به قرار داشتن در بحران؛
 - ۲- پذیرش مسئولیت شخصی خود برای دست به کار شدن؛
 - ۳- حصار سازی برای تعیین حدود مشکلات فردی که نیاز به حل شدن دارند؛
 - ۴- کمک گرفتن به صورت مادی و عاطفی از سایر افراد و گروه‌ها؛
 - ۵- توسل به سایر افراد به عنوان الگوهای رفع مشکلات؛
 - ۶- صلابت نفس؛
 - ۷- خودسنجی صادقانه؛
 - ۸- استفاده از تجربه بحران‌های شخصی پیشین؛
 - ۹- صبر ؛
 - ۱۰- شخصیت انعطاف‌پذیر؛
 - ۱۱- ارزش‌های کانونی فردی؛
 - ۱۲- رهایی از قیود شخصی؛
- دایموند میان بحران‌های فردی و بحران‌های ملی شباهت‌های بسیاری می‌بیند از همین رو می‌کوشد تا عوامل مرتبط با پیامدهای بحران‌های ملی را به شرح زیر فهرست کند :
- ۱- اجماع ملی درباره در بحران قرار گرفتن کشور؛
 - ۲- پذیرش مسئولیت ملی برای اقدام کردن؛
 - ۳- حصارسازی برای تعیین حدود و آن دسته از مشکلات ملی که باید رفع شوند؛
 - ۴- دریافت کمک مادی و مالی از سایر کشورها؛
 - ۵- توسل به سایر کشورها به عنوان الگو برای چگونگی حل کردن مشکلات؛
 - ۶- هویت ملی؛

۷- خودسنجی ملی صادقانه؛

۸- تجربه تاریخی درباره بحران‌های ملی پیشین؛

۹- پرداختن به ناکامی ملی؛

۱۰- انعطاف‌پذیری ملی ویژه برای هر موقعیت؛

۱۱- ارزش‌های اساسی ملی؛

۱۲- رهایی از قیود جغرافیای سیاسی.

دایموند از رهگذر این مقایسه به این نتیجه می‌رسد که بحران‌های ملی موجب طرح مسائلی می‌شوند که تاکنون کمتر مجال رونمایی یافتند. از جمله، موضوعات مرتبط با نقش نهادهای سیاسی اقتصادی و جایگاه رهبران در رفع بحران‌های ملی شیوه تصمیم‌گیری‌های گروهی نقش تحولات داخلی یا خارجی در ایجاد بحران‌ها و در نهایت مشکل دستیابی به سازش بین طرفین درگیری.

فصل دوم: دایموند در این فصل با توجه به رویکرد بدیع خود به رویداد جنگ فنلاند با شوروی و چگونگی شکل‌گیری بحران، تأثیر آن را بر زندگی فنلاندی‌ها و در نهایت رفع این بحران ملی می‌پردازد.

فصل سوم: دایموند در این فصل نگاهی به سیر تکوین ژاپن مدرن از ۱۸۵۳ به بعد می‌افکند و می‌کوشد تا شیوه مواجهه ژاپن با بحران حضور و تهدید امریکا در سواحل این کشور را با توجه به رویکرد خود مورد بررسی قرار دهد.

فصل چهارم: در این فصل دایموند تجربه شیلی در دوران آینده و زمانه پس از سقوط او را مورد توجه قرار می‌دهد.

فصل پنجم: دایموند در این فصل به اندونزی، دوران حکمرانی سوکارنو و سیاست‌های ضد استعمار او، کودتای دهشتناک ۱۹۶۵ علیه کمونیست‌ها و سپس جایگزینی سوهارتو به جای سوکارنو پرداخته است.

فصل ششم: در این فصل دایموند به آلمان پس از جنگ جهانی دوم و فراز و فرود بازسازی این کشور در این ایام می‌پردازد.

فصل هفتم: دایموند در این فصل به شکل‌گیری استرالیا، مواجهه بریتانیایی‌ها با بومیان، مهاجران اولیه نظام فدراتیو به این کشور، و در نهایت تجربل حضور استرالیا در جنگ جهانی اول و دوم می‌پردازد.

فصل هشتم: در این فصل دایموند به مزیت‌ها و بحران‌های پیش روی ژاپن در زمانه کنونی می‌پردازد. نظام اقتصادی با دومین ذخیره ارزی جهان به همراه سومین میزان مطلق

سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه دو مزیت مهم ژاپن امروز محسوب می‌شوند. این در حالی است که ذخیره غنی نیروی انسانی ژاپن هم در کنار ظرفیت‌های زیست محیطی عالی از دیگر مزایای این کشور محسوب می‌شود. دایموند در ادامه مشکلات ژاپن امروز را هم به این شرح فهرست می‌کند: بدهی هنگفت دولت، حجم بالای جمعیت بازنشسته و سالمند، جایگاه درجه دوم زنان، نرخ باروری اندک و رو به کاهش خانواده‌ها، جمعیت کاهشی و پیر شدن جمعیت.

فصل نهم و دهم: دایموند در این دو فصل به موارد قوت و ضعف پیش‌روی ایالات متحده در ابعاد مختلف می‌پردازد. ثروت و سهم بالای امریکا در اقتصاد جهانی نخستین مزیت این کشور محسوب می‌شود. در این میان موقعیت جغرافیایی هم موهبتی تلقی می‌شود که توانسته آن را به بزرگترین صادر کننده محصولات کشاورزی تبدیل کند. این جغرافیا همچنین ایالات متحده را از هرگونه تهاجم خارجی با توجه به سواحل دریایی طولانی مصون ساخته است. در کنار اینها امریکا از نظامی مردم سالار برخوردار است که توانسته مزایای فراوانی را برای این کشور به ارمغان آورد. به باور دایموند، مردم سالاری امکانی برای گفت و گو و اعتراض نسبت به سیاست‌های جاری را برای شهروندان فراهم می‌کند. همچنین مردم سالاری برای شهروندان فرصتی را ایجاد می‌کند که صدای‌شان شنیده و مهم انگاشته شود. مزیت دیگر مردم سالاری، وجود مصالحه یا سازش است که به مثابه جوهر این نظام تلقی می‌شود. در کنار این مزایا البته ایالات متحده از مجموعه‌ای از مشکلات فزاینده و نارسایی‌های جدی نیز رنج می‌برد. مهمترین آنها قطبی‌شدگی سیاسی است که امکان هرگونه مصالحه میان نیروهای سیاسی رقیب را از بین برده است. از سوی دیگر صعود نجومی هزینه تبلیغات انتخاباتی نیز عرصه رقابت‌های سیاسی را به شدت آلوده کرده است. دایموند در چارچوب بحرانی که برای امریکای امروز ترسیم می‌کند به بررسی عوامل مؤثر و مخرب بر امریکای امروز می‌پردازد. وی عواملی از جمله وضعیت جغرافیایی، حس هویت ملی قدرتمند و انعطاف‌پذیری در مورد ارزش‌های اساسی خود را از جمله مزایای کشور خود می‌داند. از سوی دیگر عواملی همچون فقدان دستیابی به اجماع، کمیابی خودسنجی صادقانه، بی‌میلی نسبت به یادگیری از دیگران به دلیل برتر دانستن خود و فقدان پذیرش ناکامی ملی از جمله، عوامل مخرب و بحران‌ساز برای امریکای امروز محسوب می‌شوند.

فصل یازدهم: در فصل آخر دایموند به بررسی ویژگی‌ها، مزیت و چالش‌های دنیای امروز و ترسیم چارچوب بحران برای آن می‌پردازد. به باور نویسنده هدف سلاح‌های هسته‌ای، تغییرات آب و هوایی، سوخت‌های فسیلی، منابع انرژی بدیل، سایر منابع طبیعی و نابرابری از مقولاتی هستند که ساکنان کره زمین امروزه با آنها مواجه‌اند. همچنین تا اطلاع ثانوی وجود نابرابری یکی از بزرگترین معضلات و بشر باقی خواهد ماند. اکنون متوسط سرانه مصرف منابعی از قبیل

نفت خام و فلزات، و متوسط سرانه تولید پسماندهایی از قبیل پلاستیک‌ها و گازهای گلخانه‌ای، در کشورهای جهان اول حدود ۳۲ برابر کشورهای در حال توسعه است. دایموند در بخش چارچوب بحران برای مشکلات فراروی جهان معتقد است که ما فاقد تجربه پیشین درباره چالش‌های امروز هستیم و مهمتر آنکه تجربه‌ای درباره غلبه و رفع آنها نداشته‌ایم. همچنین ادعان جهانی به بحران فعلی جهانی یا پذیرش مسئولیت در تمام جهان بابت مشکلات فعلی یا خودسنجی صادقانه در تمام دنیا وجود ندارد. آزادی انتخابات ما نیز با قیود طاقت فرسایی مواجه شده است.

نقد کتاب و بررسی ارتباط آن با ایران

رویکرد دایموند در کتاب آشوب، مبتکرانه و نوآورانه محسوب می‌شود. مقایسه‌ای که می‌تواند پیچیدگی‌های اجتماعی را برای مخاطب بی‌حوصله ساده‌سازی کرده و ارائه دهد. این رویکرد البته، تیغه‌ای دو لبه است که می‌تواند برخی واقعیت‌های پیچیده مؤثر بر تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت‌های مورد بررسی را نیز از عرصه تحلیل خارج نماید. اما در هر صورت روان‌نویسی و ساده‌سازی واقعیت‌ها برای کتاب دایموند امتیاز مهمی تلقی می‌شود که می‌تواند به افزایش اقبال نسبت به آن در میان خوانندگان سطح متوسط جامعه بیانجامد. نقصان دیگر کتاب، اما ضخامت یافتن بیش از حد تجربه نویسنده و محوری شدن آن در سراسر کتاب است. درست است که بیان تجربه زیسته نویسنده می‌تواند فهرست وقایع ذکرشده را تفصیلی‌تر سازد؛ ولی این ایراد مهم نیز وجود دارد که محوریت یافتن این تجربه در سراسر کتاب موجب جهت‌گیری بدون توجیه در ارائه گزارش‌ها و نتیجه‌گیری‌ها شود. اما در هر صورت تلاش دایموند برای ارائه رویکردی ابتکاری و ارائه اثری با داده‌ها و شواهد فراوان می‌تواند فقط، قوتی برای کتاب محسوب شود. حال اگر بخواهیم از ارتباط با رویکرد کتاب با ایران پس از انقلاب جويا شویم؛ می‌توانیم فهرستی از رویدادها مانند تسخیر سفارت امریکا، آغاز و پایان جنگ هشت ساله، انتخابات دوم خرداد و مواجهه حکومت با آن، تحریم‌های هسته‌ای، تجربه برجام، خروج ترامپ از برجام و برگشتن تحریم‌های امریکا و در نهایت پاندمی کرونا و برخورد حکومت و جامعه ایران با آن را ارائه کنیم. ما اکنون برآنیم که با توجه به تمرکز جامعه بر این پدیده نوظهور، از کرونا به مثابه بحران سخن بگوییم و بکوشیم تا با بهره‌گیری از رویکرد دایموند در کتاب آشوب، از نسبت آن با جامعه ایرانی جويا شویم. به نظر می‌رسد، ایران در قضیه کرونا به نوعی اجماع ملی درباره در بحران قرار گرفتن کشور دست یافت. تشکیل ستاد ملی مقابله با کرونا، تجمیع اختیارات در حوزه ریاست جمهوری و اشارات و هشدارهای متعدد مسئولان از این امر حکایت می‌کند. در مورد پذیرش مسئولیت ملی اما وضعیت چندان رضایت‌بخش نیست به رغم پرسش‌های افکار عمومی درباره علت ادامه پروازهای ایران به چین

در بهمن ۹۸، تاریخ دقیق ورود کرونا به کشور، چرایی قرنطینه نشدن شهر قم در اوایل اسفند، هنوز هم پاسخ مناسبی به این سؤالات ارائه نشده است و در حقیقت هنوز هیچ بخشی مسئولیت رسمی خود را در این زمینه نپذیرفته است. همچنین ایران در دریافت کمک‌های مالی و مادی از سایر کشورهای جهان چندان کارنامه قابل دفاعی از خود بروز نداد و بعضاً این مسأله را با ملاحظات ایدئولوژیک حکومت در هم آمیخت. بحران کرونا البته، موقعیتی را ایجاد کرد که تمامی کشورهای جهان کوشیدند تا تجربیات موفق خود را به اشتراک گذاشته و از الگوهای سایر کشورها استفاده کنند. در همین راستا به نظر می‌رسد که ایران هم تا حدی در همین مسیر حرکت کرد. در مورد عامل خودسنجی صادقانه اما کارنامه کشور ما چندان قابل دفاع نیست. از همان ابتدای ورود کرونا به کشور بنگاه‌های خبری به انکار حضور این ویروس در کشور پرداختند و فقط زمانی که شواهد متقن آن نزد افکار عمومی عیان شد مسئولان ناچار به پذیرش شدند. در مورد عامل تجربه تاریخی درباره بحران‌های ملی پیشین هم شواهد موجود از تجربه خوشایندی حکایت نمی‌کنند. واقعیت این است که به رغم تبدیل شدن برخی مسائل به معضل و سپس بحران، حاکمیت در ایران هرگز وجود آنها را در کشور به رسمیت نشناخته، صدای دغدغه‌مندان را نشنیده و اقدامات مناسبی در راستای رفع بحران‌ها به عمل نیاورده است. وقوع تجربه کرونا در ایران اما با انعطاف‌پذیری قابل قبولی از سوی جامعه و حکومت مواجه شد. بسته شدن اماکن مذهبی، تعطیلی نمازهای جمعه و عدم برگزاری نمازهای جماعت در مساجد، عدم برگزاری نماز عید فطر و راهپیمایی روز قدس از جمله مواردی بودند که می‌توان از آنها به عنوان انعطاف‌های قابل توجه ذکر کرد. در مجموع مواجهه جامعه و حکومت ایران با پدیده کرونا بسیار فراتر از برخوردهای متعارف پیشین با بحران‌هایی بود که کشور با آنها مواجه شده بود. امید است که انباشت و تداوم این تجربه بتواند چراغ راهی برای برخورد درست با مسائل و بحران‌های آینده جامعه ایران بیافروزد.

در پایان می‌توان گفت که اثر اخیر جرد دایموند یعنی، کتاب؛ آشوب، نقاط عطف برای کشورهای بحران‌زده اگرچه روان و آسان فهم نوشته شده است؛ ولی در ارائه شناختی واقعی و منصفانه از بحران‌های فراروی جهان و هفت کشور مورد مطالعه یعنی، فنلاند، آلمان، ژاپن، شیلی، اندونزی، استرالیا و امریکا موفق بوده است. ترجمه اصلا ن قودجانی هم روان و خواندنی است اگر چه در ویراستاری کتاب آن هم توسط نشر معتبر طرح نو بدون شک تسامح و غفلت توجیه‌ناپذیری صورت گرفته و تعداد زیاد اغلاط املائی به وجاهت و اعتبار کتاب لطمه زده است. چاپ و صحافی کتاب البته فاخر و ستودنی است.

معرفی کتاب آشوب: نقاط عطف برای کشورهای بحران زده، نوشته: جرد دایموند

منابع

دایموند، جرد (۲۰۱۹). آشوب، (نقاط عطف برای کشورهای بحران زده)، ترجمه اصلا
نمودجانی (۱۳۹۸). تهران: نشر طرح نو

